

بسط تاریخی حیات عقلی اصفهان

مهدی راونجی^۱

چکیده

برآمدن حکومت صفویان با تاجگذاری شاه اسماعیل در ۹۰۶ هجری علاوه بر اینکه ایران را پس از قرن‌ها سیطره حاکمیت بیگانه و مشوش به کشوری قدرتمند و مستقل تبدیل می‌ساخت؛ نسیم پویایی را - نیز با اعلام مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور - در روح خسته حوزه های فرهنگی ایران می‌دمید. حکومت صفوی برآمده از آموزه‌های مذهب، آرام آرام تشیع اثنی‌عشر را به عنوان مهمترین رکن ایدئولوژی سیاسی و مشی فرهنگی خود برگزید. بر این تصمیم نتایجی مترتب بود:

نخست اینکه به لحاظ عقیدتی جایگاه حاکمان صفوی را به عنوان متولیان حکومت شیعی و نائبان امام غائب شیعیان تعالی می‌داد. دوم اینکه در سیاست خارجی آنان را به عنوان امپراطوری نورسیده مدعی در شرق در مقابل امپراطوری دیرپای عثمانی به عنوان متولیان عالم اسلام (تسنن) قرار می‌داد و دست آخر و تا آنجا که به موضوع این مقاله مربوط است برای تثبیت پایه‌ای حکومت تازه تاسیس خود لاجرم حاکمان صفوی را به تجدید نظر در حوزه‌های فکری به معنی اعم (کلام، فلسفه و فقه) وامی‌داشت تا آنجا که اقبال آنان آثار مهم جهت تثبیت مبانی اعتقادی ایدئولوژی پویای صفوی پدید آورد. پویایی حیات عقلی اصفهان در دوره صفوی عمدتاً ناشی از همین دیدگاه‌ها بود و فرصتی بوجود آورد که در پایان نتایجی چون حکمت متعالیه و مکتب متعالی اصفهان را در پی داشت.

واژگان کلیدی: صفویه، اصفهان، مکتب فلسفی، تشیع، قزوین